



■ **علیرضا کافی**

دکتر سیروان بهرامی با مدرک دکترای شهرسازی مدیر کلی دفتر امور شهری و شوراهای استانداری کردستان را برعهده دارد و وقتی سخن از شهید نادر بهرامی به میان می آید با افتخار می گوید: پدرم یک کرد باغیرت بود که برای حفظ نظام اسلامی و آب و خاک کشورش، درس و تحصیل را رها کرد و راهی جبهه و جنگ شد. سیروان از مادری کرد اهل تشیع و پدری کرد اهل سنت متولد شده است اما وقتی از اعتقاداتش می پرسیم می گوید: پدرم از کردهای اهل سنت و متولد سندیج بود اما مادرم کرد کرمانشاه و شیعه. خودم هم به دلیل بهره مندی از آموزه هایی که مادر به من آموخت مذهب تشیع را انتخاب کردم و به داشتن پدری سنی مذهب و مجاهد افتخار می کنم. از زندگی پدر آسمانی اش که می پرسیم می گوید: پدرم شاگرد ممتاز مدرسه و دانشگاه بود. وقتی در رشته ساختمان در هنرستانی در سندیج فارغ التحصیل شد در کنکور سراسری شرکت کرد و به عنوان دانشجو در دانشگاه امیرکبیر تهران پذیرفته شد اما ...

سال ۶۰ بعد از ۲۰ ساله بود که با شروع جنگ احساس وظیفه کرد و به عنوان سرباز به جبهه های جنگ اعزام شد. سیروان ادامه ماجرا را از زبان مادر تعریف می کند و می گوید: پدر زیادی به تحصیل داشت و ادامه تحصیل تنها اولویت زندگی اش بود. اما با شروع جنگ اولویت او هم فرق کرد و تصمیم گرفت راهی جبهه شود. اطرافیانم می گویند او همیشه می گفت در این شرایط نیاز است که به جبهه بروم و در میدان جنگ به مردم خدمت کنم. همین شد که عازم سربازی شد و برای طی دوره آموزشی به شاهرود اعزام شد.

در همان دوران هم تنها فرزندش متولد شد و او تنها یک بار دیدن فرزندش به سندیج آمد. شهید نادر بهرامی در عملیات بیت المقدس و در منطقه دارخوین به فیض شهادت نایل آمده است. سیروان درباره نحوه شهادت پدر این گونه می گوید: بعد از طی دوران آموزشی پدر به عنوان سرباز جمعی ارتش به شهر اهواز اعزام شد و پس از آن برای شرکت در عملیات بیت المقدس یا همان آزادسازی خرمشهر به منطقه دارخوین رفت. از یکی از همزمان پدر به نام مهندس سبحانی شنیده ام که می

گفت: من و پدرت در گروه امداد بودیم و شب عملیات وقتی در سنگر نشسته بودیم از صدای شلیک یک خمپاره به خودمان آمدیم. در آن لحظه هر ۴ نفری که در سنگر بودیم روی زمین دراز کشیدیم. ولی بعد از چند دقیقه وقتی سرم را بلند کردم با پیکرهای غرق به خون ۳ همسنگری ام مواجه شدم که پدرت هم یکی از آنها بود.

مادرم از رادیو خبر شهادت پدرم را شنید

اما تشییع پیکر پاک شهید نادر بهرامی هم برای خود حکایتی دارد. فرزند شهید بهرامی در نقل قول نحوه شهادت پدر می گوید: مادرم این گونه تعریف می کند که یک روز صبح وقتی رادیوی منزل را روشن می کنند از اخبار رادیو متوجه تشییع پیکر ۲ شهید به نام های سروان کوکیان و سرباز نادر بهرامی می شوند. جالب این جاست که مجری رادیو اظهار کرده بود هنوز تا این لحظه امکان خبر رسانی به خانواده شهید بهرامی برای مسئولان به وجود نیامده و خانواده این شهید از شهادت عزیزشان بی اطلاعند. این فرزند شهید بیشتر از مظلومیت پدر شهیدش به مظلومیت خانواده شهیدی کرد اهل تسنن اشاره می کند و می گوید: داستان شهادت در کردستان با همه نقاط ایران متفاوت است. شهدای کردستان خاص تر از دیگر شهدای ایران اسلامی اند و به مراتب مظلوم تر. چرا که در مقایسه با دیگر شهدا ناجوانمردانه تر به شهادت می رسیدند و این که پس از شهادت انگ ها و تهمت های مختلفی از سوی گروهک ها و ضدانقلاب به خود و خانواده هایشان زده می شد. به نحوی که ادامه زندگی برای خانواده مشکل می شد. حتی امروز هم این آزار ها ادامه دارد و ما فرزندان شهدای کرد با هجمه های فراوانی روبرو هستیم. امروز گروهک ها از بین رفته اند اما هنوز هم برخی عوام با تفکرات خاص به ما اهانت می کنند و با حرف هایشان دل آزاده مان می کنند. سیروان هنوز هم نامه های پدر شهیدش به مادرش را که در آن تاکید خاص و ویژه ای بر تربیت تنها فرزندش داشته است به یادگار نگه داشته است. نامه هایی که در آن به تحصیل و تلاش برای دینمداری تنها فرزندش تاکید زیادی کرده و خواسته است تا در آینده پسرش آینه ای تمام قد از وطن پرستی و دینداری پدر شهیدش باشد.

